یادداشت روز

خطوط فصل و وصل ما در مذاکرات وین

«حرف ما در این زمینه -سوریه- مستحکم‌ترین حرفها است؛ ما معتقدیم معنا ندارد، کشورهای دیگر دور هم جمع شوند و راجع به یک نظام حکومتی و رئیس آن حکومت تصمیم بگیرند؛ این بدعتی خطرناک است که هیچ حکومتی در جهان اجرای آن را درباره خود نمی‌پذیرد» سخنان پریروز رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع وزیر، معاونین و سفرای وزارت خارجه کشورمان، خطوط اساسی مواجهه جمهوری اسلامی ایران با محیط منطقه‌ای را مشخص کرد کما اینکه امام خامنه‌ای -دامت برکاته- به طور مشخص درباره عراق، یمن و بحرین نیز صحبت کردند و ماهیت مداخلات خارجی در این کشورها که ترکیبی از اشغال نظامی، تجاوز نظامی و تلاش برای واژگون‌سازی مطالبات مردمی است را تشریح کردند.

اظهارات مذکور که پس از برگزاری نشست وین- که سومین نشست در این نوع درباره سوریه به حساب می‌آید- بیان شد، موضع جمهوری اسلامی را در مورد این‌گونه نشست‌ها بیان می‌کند اما همزمان با این موضعگیری روشن، ایران در سطح وزیر خارجه در نشست وین شرکت کرده و این موضوع نشان می‌دهد که میان جمع‌بندی جمهوری اسلامی ایران از این نشست‌ها و رفتار دیپلماتیک ایران تفاوتی وجود دارد اما این تفاوت به معنای تناقض موضع و عمل نیست بلکه به این معناست که جمع‌بندی ایران از رفتار آمریکا، انگلیس، فرانسه، عربستان، قطر و ترکیه درباره تحولات کشورهایی نظیر سوریه مبتنی بر عدم اعتماد و حتی «انتقاد شدید» است اما همزمان با آن برای تقلیل اقدام ناروای این قدرت‌ها و کمک به مردم سوریه برای عبور از شرایطی که قدرت‌ها دنبال می‌کنند، در اجلاس‌هایی که به طور جمعی و با مبنای مسئولیت سازمان ملل در پیدا کردن راه حلی برای بحران‌ها شکل می‌گیرد، شرکت می‌کند. اما در این میان همه می‌دانند که خطوط اساسی سیاست ایران در ارتباط با تحولات منطقه‌ای را نمی‌توان از لابلای خطوط دیپلماتیکی که در «بیانیه‌های مشترک» منتشر می‌شود، دریافت بلکه درک ایران از تحولات و نوع رفتار و کنش آن را باید در چارچوب نگرش عمیق و تغییرناپذیر ایران که در گذشته در سخنان امام خمینی(ره) تبلور می‌یافت و امروزه در کلام امام خامنه‌ای تبلور می‌یابد جستجو کرد. البته همانطور که پریروز رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند تاکتیک‌های سیاست خارجی وقتی با مبانی راهبردی منطبق باشد، نقش افزاینده پیدا می‌کند.

همه شرکت‌کنندگان در نشست سوم سوریه که این بار در وین برگزار شد، قاعدتا نیت پیدا کردن راه‌حلی برای بحران سوریه نداشته‌اند آمریکا، عربستان، فرانسه، انگلیس، ترکیه و بعضی دیگر از این ۱۷ عضو نشست ژنو اگر بخواهند بحران سوریه خاتمه یابد، نباید به ارسال سلاح برای تروریست‌ها ادامه دهند. وقتی وزیر خارجه آمریکا همزمان با نشست وین، از اعزام ۵۰۰۰ نیروی جدید و ارسال تسلیحات جدید به سوریه خبر می‌دهد- که البته این عدد و رقم‌ها غلو است و توانایی آمریکا در اعزام نیروی نیابتی جدید بسیار کمتر از این است- نمی‌توان گفت وزیر خارجه آمریکا برای کمک به استقرار صلح به وین آمده است. البته در این بین تعدادی از کشورهای عضو گروه ۱۷ با هدف کمک به مردم سوریه و پیدا کردن راه‌حل به پایتخت اتریش رفته‌اند.

اما در این میان دو مناقشه درباره اجلاس‌ها و نشست‌هایی از این دست وجود دارد؛ یک مناقشه به بنیان شکل‌گیری چنین جلساتی برمی‌گردد و یک مناقشه به اهداف و عملکرد آنها مربوط می‌شود. طبعا این دو می‌توانند متفاوت بوده و قضاوت ما در این باره را متفاوت نماید. همانطوری که وقتی یک انسان درگیر مشکلات می‌شود به طور طبیعی و اصولی از همنوعان خود انتظار دارد که به او در حل یا کاهش مشکل کمک نمایند، یک کشور نیز وقتی درگیر بحران می‌شود از کشورهای دیگر انتظار دارد که به او برای کاهش یا غلبه بر مشکل کمک نمایند و در دنیا معمولا انسان‌ها و کشورها از چنین کمک‌هایی دریغ نمی‌ورزند. با این وصف، اصل اینکه یک مجتمع جهانی از کشورهای توانمند برای حل مشکل یک کشور تشکیل شود نه تنها اشکالی ندارد بلکه مطلوب هم می‌باشد و لذا شرکت در چنین مجتمع یا فرایندی قابل قبول می‌باشد. در این میان کشورها می‌توانند علی‌رغم داشتن اصول متفاوت و نگرش‌های ناهمگون بر سر موضوعی که در آن ولو بطور نسبی اصول و نگرش مشترک دارند، توافق کرده و همکاری نمایند. طبعا قرار گرفتن این کشورها کنار یکدیگر نباید به معنای وحدت نظر یا وحدت رویه در اکثر موضوعات تلقی شود.

اما البته در این موضوع لااقل دو نکته اساسی و دو شرط لازم الرعایه وجود دارد. یکی از این نکات و شروط این است که ملت، دولت و کشوری که برای آن یک مجتمع تصمیم‌گیری تشکیل شده، خود درخواست برگزارشدن چنین مجتمعی داده و به آن راغب باشد کما اینکه همین حرف درباره کمک به فرد نیز صادق است. بنابراین اگر یک گروه بدون رغبت و رضایت آن ملت و دولت به نام کمک به حل مشکل آن ملت و دولت دور هم جمع شده و تصمیم‌گیری نمایند، این کار منطقا ورود به حریمی است که ورود به آن ممنوع است. این نوع ورود در مورد فرد به سلب اختیار او و در مورد کشور به سلب استقلال آن منجر می‌شود و همه می‌دانند که اختیار و استقلال دو گوهر هویتی برای فرد و کشور به حساب می‌آیند.

یکی دیگر از این دو نکته و شرط وجود «وحدت عمل» در مواجهه با پدیده است. کمک به یک همنوع نمی‌تواند آمیخته با اموری شود که به نابودی قطعی او منجر می‌شود. کما اینکه کمک به یک کشور نمی‌تواند با زیر پا گذاشتن حقوق آن کشور همراه شود. اگر نگاهی به رفتار آمریکا و شرکای آن در وین بیاندازیم می‌بینیم که رفتار آنان درباره سوریه اگرچه عنوان کمک و دوستی به خود گرفته اما توام با به رسمیت شناختن ملت، کشور، حاکمیت و سرزمینی به نام سوریه نیست پس کاملا پیداست که آنچه به عنوان دارو در وین دست به دست شده در واقع زهر مرگباری است که در جامی بلورین به ملت سوریه پیشنهاد شده است. در خطوط بیانیه ۹ ماده‌ای که در پایان نشست وین صادر شده اگرچه به لزوم حفظ استقلال و تمامیت ارضی سوریه اشاره شده اما به وجود دولت قانونی اسد در آن اشاره نشده است. و این موضوع می‌تواند پایبندی طرف غربی به بندهایی که مثلا ناظر بر «برگزاری انتخاباتی با برترین استانداردهای بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل» است را با تردید مواجه کند. با این وصف به فرض آنکه دولت سوریه به خاطر انتخابات ناچار به پذیرش آتش‌بس با معارضه مسلحی که این بیانیه آن را قانونی می‌داند- یعنی جیش‌الحر و...- شود و در نهایت هم بار دیگر از سوی مردم انتخاب شود که محتمل‌ترین احتمالات است، با ابهام‌پراکنی غربی‌ها و متهم شدن دولت به تقلب و... اوضاع به نقطه صفر باز می‌گردد و در این حالت، که دولت سوریه به ضمن پذیرش شورش‌های جدید که با هدایت غربی‌ها به سمت «کودتای مخملین» خواهد رفت، به تروریست‌ها در بخش‌های مختلف سوریه امکان بازسازی خود را داده است و این در حالی است که آمریکا، عربستان، ترکیه و... به طور آشکار از ادامه حمایت نظامی از تروریست‌ها در سوریه سخن می‌گویند.

با این وصف موضع جمهوری اسلامی در مورد چنین اجلاس‌ها و نشست‌هایی تا آنجا که به مسئولیت دولت‌ها در قبال تأمین امنیت ملت‌ها و دولت‌های نیازمند مربوط می‌شود، مثبت است و بر این اساس گرایش کلی جمهوری اسلامی به شرکت می‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز- در گذشته و حال- در مورد اصل حضور منعی نداشته‌اند، هر چند خوشبین هم نبوده‌اند کما اینکه این عدم خوشبینی در مواردی با صراحت بیان هم شده است. رهبر معظم انقلاب از این رو به دیپلمات‌های جمهوری اسلامی که علی‌رغم بنیان کج و معوج اینگونه نشست‌ها، عنوان «رزمندگان و جنگ‌آوران خطوط مقدم بین‌المللی» دادند. دیپلمات‌هایی که وارد این هماوردی می‌شوند و به دستاوردهایی هم دست پیدا می‌کنند، حتما مأجور هستند. اما این فقط یک روی سکه است.

روی دیگر سکه این است که آمریکا، عربستان، ترکیه، فرانسه، انگلیس و... تنها زمانی از ما برای شرکت در اینگونه نشست‌ها دعوت می‌کنند که به بن‌بست رسیده باشند نه اینکه برای کمک به سوریه و حل بحران امنیتی آن دچار بن‌بست شده باشند بلکه در اداره پرونده به گونه‌ای که برای آنان منفعت داشته باشد دچار بحران گردیده و راه برون رفتی را برای خویش سراغ ندارند. در این مواقع از ما می‌خواهند که مسئولیتی بپذیریم و سهم منطقه‌ای خود را به عنوان عضوی از سازمان ملل بپردازیم. البته این نکته هم وجود دارد که بن‌بست‌های پدید آمده در مسیر سیاست و هزینه‌های آمریکا بی‌ارتباط با ما نیست. یکی از اصلی‌ترین عوامل شکست سیاست‌های ضد مردمی آمریکا، نوع نگرش و عملکرد ایران است. اینکه آمریکا ۳۳ سال بعد از فرار از لبنان نتوانسته است بار دیگر به لبنان بازگردد به ما مربوط است. اینکه آمریکا ناگزیر به ترک عراق شد به ما مربوط است. اینکه حیاط خلوت عربستان اینک خواب را بر شاهزادگان سعودی حرام کرده به ما مربوط است اما نه اینکه یک رقابتی بین ما و آنان برای ایجاد بحران وجود داشته باشد بلکه از این رو که ملت‌های مسلمان به سطحی از بصیرت رسیده‌اند که برای رسیدن به آزادی و استقلال راهی جز مقاومت و مقابله با غرب و عوامل منطقه‌ای آن نمی‌شناسند و در این راه ما کنار ملت‌ها قرار داشته و بقاء ما و پایبندی به سیاست‌هایمان به آنان پیغام می‌دهد که می‌توان در مقابل غرب و عوامل جنایتکار آن ایستاد و پیروز شد.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

آغاز عملیات اجرایی برجام با کدام تضمین کتبی؟!

سرویس سیاسی-

مقامات دولتی کشورمان در حالی از آغاز عملیات اجرایی برجام و جمع آوری سانتریفیوژها خبر داده‌اند که هنوز طرف مقابل هیچ تضمین کتبی مبنی بر رفع تحریم‌ها ارائه نداده است.

روز گذشته علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در مصاحبه با خبرگزاری «کیودو» گفت: ایران اجرای برجام را با جمع‌آوری شماری از سانتریفیوژهای خود در تاسیسات هسته‌ای نطنز آغاز کرده است.

همچنین سید عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه گفت: روند اجرای برجام تقریباً شروع شده و طرفین روند اجرایی اقدامات لازم را آغاز کرده‌اند.

عراقچی افزود: ما طبق جدول زمانی که پیش رو داریم، تصور می‌کنیم که تا حدود ۲ ماه دیگر به مرحله‌ای برسیم که برجام بطور کامل اجرایی شود و از طرف مقابل با توجه به اجرای تعهدات، تحریم‌ها برداشته شود.

معاون وزیر امور خارجه در ادامه گفت: مهمترین اولویت طبیعتاً تکمیل مراحل اجرای برجام و بعد از آن مشارکت فعال جمهوری اسلامی در حل مشکلات و مسائل منطقه است.

با کدام تضمین؟!

اقدام توأم با تعجیل دولت در حالی است که هنوز هیچ تضمین کتبی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر لغو کامل تحریم‌ها صورت نگرفته است و از سوی دیگر تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلّف طرف‌های مقابل نیز از سوی دولت ایران تدارک دیده نشده است.

برجام همانگونه که رهبر معظم انقلاب در نامه خود به رئیس‌جمهور بر آن تاکید ورزیده‌اند دارای «نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه به لحظه می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده کشور منتهی شود.»

مقام معظم رهبری در نامه مذکور، راه سوءاستفاده دشمن را با تاکید بر چند شرط مسدود کرده و در نخستین بند این نامه مهم و تاریخی تاکید کردند: «از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکول گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلّف طرف‌های مقابل تدارک شود، که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتّحادیه اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها است. در اعلام اتّحادیه اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریم‌ها بکلّی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر این‌که ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به‌منزله نقض برجام است.»

گفتنی است روز گذشته (دوشنبه) ۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در تذکری به رئیس‌جمهور خواستار توقف دستور جمع‌آوری سانتریفیوژهای فردو و نطنز تا زمان اخذ تضمین‌های کتبی لازم شدند.

چرا تضمین کتبی مهم است؟

نگاهی به عملکرد آمریکایی‌ها در ادوار مختلف و رویکرد آنان درباره برجام نشان می‌دهد، عدم وصول تضمین کتبی از بالاترین مقام سیاسی این کشور مبنی بر رفع تحریم‌ها، می‌تواند در آینده‌ای نزدیک به دردسرهای جدی منجر شود. مقامات آمریکایی در مقاطع مختلف و مکرر اعلام کرده‌اند در پی حفظ ساختار تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. بلافاصله بعد از توافق وین باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد: «تحریم‌هایی که مربوط به حمایت ایران از تروریسم، برنامه موشک‌های بالستیک و نقض حقوق بشر می‌شود را حفظ خواهیم کرد.» و جک لو، وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز گفت: «حفظ معماری تحریم‌ها در حین فراهم آوردن تخفیف از طریق معافیت‌های تحریمی، شرط دوم ما (یعنی برخورداری از توانایی بازگرداندن تحریم‌ها در صورت عدم پایبندی ایران به تعهداتش) را تقویت می‌کند.»

اینگونه موضع گیری‌ها از سوی مقامات رسمی و بلندپایه آمریکا نشان می‌دهد آنان درپی کنار گذاشتن ابزار تحریم علیه ملت ایران نیستند و از اعلام رسمی و آشکار آن نیز ابایی ندارند و از همین رو آغاز اجرای برجام بر اساس خوش باوری و اعتماد به حریف، به هیچ عنوان کاری حساب شده به نظر نمی‌رسد.

نکته قابل توجه دیگر آنکه آمریکا به عنوان یک حاکمیت، یکی از طرف قراردادهای جمهوری اسلامی ایران در موضوع برجام است. در حالی که کمتر از دو سال دیگر اوباما از کاخ سفید می‌رود و نامزدهای ریاست‌جمهوری این کشور مواضع قابل تاملی درباره برجام اتخاذ کرده و آن را توافقی میان ایران و اوباما دانسته‌اند که با رفتن او، دیگران تعهدی به ادامه اجرای آن ندارند.

از این منظر اخذ تضمین‌های کتبی و معتبر اهمیتی مضاعف می‌یابد چرا که دو سال دیگر ایران تمام امتیازات خود را واگذار کرده و دبه کردن طرف مقابل در اجرای تعهداتش و بازگشت تحریم‌ها، منافع ایران را به خطر می‌اندازد.

آلن ایر: تحریم‌های غیرهسته‌ای برجای خود باقی می‌ماند

در همین حال، «آلن ایر» سخنگوی فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه با خبرگزاری «ترند» گفت: برجام روابط اقتصادی ایران-آمریکا را چندان افزایش نمی‌دهد.

به گزارش فارس، ایر افزود: قرار نیست بعد از لغو تحریم‌ها در روز اجرا، روابط اقتصادی بین ایران و آمریکا بطور چشمگیری افزایش یابد زیرا تحریم‌های غیرهسته‌ای برجای خود باقی می‌ماند و لغو نمی‌شود. وی در ادامه گفت: آینده توافق هسته‌ای قابل مشاهده نیست اما می‌توان آینده توافق را ساخت.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تاکید کرد: ما همیشه موضوع شهروندان دستگیر شده [جاسوسان] و ناپدید شده آمریکایی را در زمان دیدار با مقامات ایرانی مطرح کردیم و همچنان در هر فرصت ممکن و تا زمانیکه این افراد به خانه‌های خود بازگردند، این موضوع را با مقامات ایرانی مطرح می‌کنیم.

بقیه در صفحه۱۰

گفت و شنود

کاکتوس

گفت: یکی از شبه روشنفکران که دیروز در یک مناظره درباره «آثار برجام» در دانشگاه مشهد شرکت کرده بود، در پاسخ به سؤال طرف دیگر مناظره گفت؛ برجام را نخوانده‌ام!

گفتم: وقتی برجام را نخوانده است، پس برای چه در مناظره‌ای که موضوع آن «آثار برجام» است شرکت کرده بود؟!

گفت: ظاهرا برای ایشان شرکت در مناظره‌ها «اصل» است و موضوع آن برایش اهمیتی ندارد!

گفتم: عجب اعتماد به نفسی دارد؟! اگر اعتماد به نفس او را کاکتوس هم داشت، سالی پانزده، شانزده مرتبه هلو می‌داد!

یوراسیا ریویو گزارش داد

موشک‌های ایران سامانه‌های دفاعی دشمن را دور می‌زنند

پایگاه خبری تحلیلی یوراسیا ریویو در تحلیلی نوشت: با وجود تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۳، برنامه‌های توسعه موشک‌های هدایت‌شونده ایران پیشرفت کرده است.

به گزارش فارس، وبگاه تحلیلی «یوراسیا ریویو» در گزارشی تحلیلی پیرامون «پرتاب موشک عماد و پیام‌های آن» نوشت: ایران اخیرا موشک «عماد» را آزمایش کرد. عماد موشکی سطح به سطح، هدایت شونده با بردی میانگین ۱۷۰۰ کیلومتر و گنجایش حمل ۷۵۰ کیلوگرم مواد منفجره است. هر موشکی که بالای ۵۰۰ کیلوگرم مواد منفجره حمل کند، موشک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای در نظر گرفته می‌شود. عماد با سوخت مایع کار می‌کند و میزان هدف گیری و مانور آن برای گریز از سامانه‌های دفاعی دشمن ارتقا یافته که موردی بسیار مهم است. عماد مجهز به موتور پیشرانه برای اصلاح مسیر است و گفته می‌شود این موشک ارتقا یافته موشک «شهاب» است.

یوراسیا ریویو در ادامه این گزارش به تحلیل پیرامون زمان انجام این آزمایش موشکی اشاره کرده و نوشت: شاید یکی از دلایل این آزمایش موشکی که درست پیش از تصویب برجام صورت گرفت تایید این نکته باشد که تحت هیچ شرایطی توافق هسته‌ای نمی‌تواند پیشرفت برنامه‌های موشکی ایران را متوقف کند. با وجود تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۳، برنامه‌های توسعه موشک‌های هدایت شونده ایران پیشرفت کرده است. این کشور در اوائل سال جاری موشک هوشمند برد بلند «سومار» را نیز آزمایش کرد.

ایران امسال همچنین موشک ارتقا یافته «فاتح» را که اینک بردی معادل ۵۰۰ کیلومتر دارد، آزمایش کرد. با وجودی که قابلیت‌های موشکی ایران از دید چند رقیب این کشور تهدید محسوب می‌شود اما جمهوری اسلامی مدعی است که اهدافش در این مسیر تدافعی می‌باشد.

در ادامه این مطلب با اشاره به پیشرفت ایران در ساخت موشک‌های بالای دو هزار کیلومتر آمده است: ایران همچنین تمرکز بر موشک با سوخت جامد با برد ۲۵۰۰ کیلومتر سجیل را در دستور کار دارد. این کشور نه تنها در حال پیشرفت در تولید سامانه‌های موشکی است بلکه موشک‌هایش قادر به دور زدن سامانه‌های دفاعی دشمن می‌باشند. این امتیاز می‌تواند سامانه موشکی اروپا، آمریکا موسوم به (EPAA) را تهدید کند. آمریکا نیز بر این اساس تصمیم گرفته این سامانه موشکی و قطعاتش را به کشورهای عضو ناتو بفرستد تا با تهدیدها از ناحیه موشک‌های بالستیک ایران مقابله نماید.

این اندیشکده در خاتمه با تاکید بر عدم تاثیرگذاری برجام در برنامه‌های موشکی ایران نوشت: آزمایش موشکی چندی قبل ایران موجی از انتقادهای بین‌المللی از ناحیه اسرائیل و آمریکا را موجب شد. در حالی‌که بسیاری از تحلیلگران پیشنهاد گنجاندن موضوع موشک‌های بالستیک را در توافق هسته‌ای داشتند، اما این موضوع شامل توافق هسته‌ای نشد. در برجام هیچ محدودیتی بطور مستقیم برای بهبود موشک‌های بالستیک ایران شامل نشده و تنها شورای امنیت سازمان ملل متحد است که تحریم‌هایی را علیه ایران در این زمینه وضع کرده است. بنابر این چنین آزمایش‌های موشکی نباید مانعی در مسیر پیشرفت برجام که از سوی جامعه بین‌الملل ستوده شده و واقعا از معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای حمایت کرده است، باشد. اگر قرار باشد برنامه توسعه موشک بالستیک ایران سنجیده شود، باید چارچوب منطقه‌ای جداگانه‌ای در ممنوعیت توسعه برنامه موشکی در غرب آسیا موجود باشد.

خبر ویژه

کارگزاران با نجفی اصلاح‌طلبان و عارف را دور می‌زند؟!

حزب کارگزاران با پیش کشیدن نامزدی و سرلیستی محمدعلی نجفی، عارف و اصلاح‌طلبان را دور می‌زنند.

سایت نامه نیوز نوشت: در حالی که عارف و بخشی از جریان اصلاحات در حال چیدن مقدمات زعامت عارف در انتخابات مجلس دهم هستند، در گوشه‌ای از شهر جریان دیگری به دنبال علم کردن سرلیستی دیگر در مقابل عارف است. کارگزاران سازندگی که چندان علاقه‌ای به بازیگر بودن در انتخابات مجلس ندارند و به دنبال کارگردانی این صحنه سیاسی هستند، دوست ندارند عارف سرلیست اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس باشد. آنها به ویژه دبیرکل حزب کارگزاران یعنی غلامحسین کرباسچی رابطه خوبی با خاتمی و نیروهای نزدیک به او ندارند و تلاش می‌کنند تا نیروهای نزدیک به رئیس جمهور و هاشمی رفسنجانی سرلیستی اصلاح‌طلبان را در انتخابات مجلس به عهده بگیرند.

نامه نیوز افزود: کرباسچی هنوز از عدم حمایت خاتمی در ماجرای شهرداری تهران و دادگاهی شدن، ناراحت است. ناراحتی که در رفتار سیاسی او در این سال‌ها قابل مشاهده بوده است.

حزب کارگزاران سازندگی، به دنبال این است که تکنوکرات معروف و یار نزدیک هاشمی و روحانی یعنی محمدعلی نجفی را به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان معرفی کنند. آنها معتقدند که نجفی برخلاف عارف، مدیری اجرایی، توانمند و مورد قبول تمام جریان‌های اصلاح‌طلب در ایران است. کارگزاران و بخشی از جریان اصلاحات از نجفی برای حضور در انتخابات ۸۸ دعوت کرده بودند که حضور موسوی و کروبی، مانع تحقق آرزوی آنها برای نامزدی این چهره سرشناس سیاسی شد. او حتی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ در کنار اسحاق جهانگیری دو گزینه اصلی کارگزاران برای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بودند. نجفی در دولت‌های رجایی، هاشمی، خاتمی و روحانی حضور داشته است و همچنین نمایندگی مردم تهران در شورای شهر را نیز به عهده داشته است و این سابقه باعث شده است تا کارگزاران، نجفی را به عارف ترجیح دهند.

کارگزاران بر این باور هستند که اصلاح‌طلبان همان طور که در خرداد ۹۲ روحانی را به عارف ترجیح دادند باید در اسفند ۹۴ نیز نجفی را به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان انتخاب کنند.

بسیاری از کارگزاران معتقدند که در صورت پیروزی، عارف توان مدیریت مجلس و ایستادن در مقابل اصولگرایان را ندارد. آنها حتی اعتقاد دارند که لاریجانی نیز گزینه مناسب‌تری نسبت به عارف است.

گفتنی است در پوست‌اندازی جدید حزب این افراد به شورای مرکزی حزب اضافه شدند؛ محمد حسین عادلی، سعید لیلاز، محمد قوچانی، علی جمالی، شهربانو امانی، خانم مقیمی، اعظم نوری، عباس علیخانی، علی اشرف افخمی، سید افضل موسوی، مهندس پناه، سید عبدالله حسینی، عباسعلی اللّه‌یاری، فرزانه ترکان، کفایتی، جهانبخش خانجانی، ملکی.

پیش از این نیز محمد هاشمی، محسن هاشمی، غلامحسین کرباسچی، محمدعلی نجفی، اسحاق جهانگیری، فائزه هاشمی، علی هاشمی، سید حسین هاشمی، اسماعیلی جبارزاده، یدالله طاهرنژاد، سید حسین مرعشی، رضا امراللهی، رضا ملک‌زاده و عبدالناصر همتی عضو این حزب بودند. اما محمد هاشمی از این حزب استعفا داد و اعلام کرد که ما باید کاری نکنیم که در جامعه تشنج ایجاد شود. من نمی‌خواهم شاهد این باشم که حزبی که من عضوش هستم سرنوشت حزبی مانند مشارکت را پیدا کند.

یادآور می‌شود مؤسسان کارگزاران اسماعیل شوشتری، عطاءالله مهاجرانی، محسن نوربخش، محمد هاشمی رفسنجانی، محمدعلی نجفی، مرتضی محمدخان، عیسی کلانتری، اکبر ترکان، سید محمد غرضی، بیژن زنگنه، غلامحسین کرباسچی، رضا امراللهی، غلامرضا فروزش، مصطفی هاشمی‌طبا، غلامرضا شافعی، محمدرضا نعمت‌زاده بودند.

رشد علمی ایران ۲۰ برابر شده آنها می‌توانند اسرائیل را در هم بشکنند

فرمانده رکن اطلاعات در ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی گفت پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ایران به تلاش‌های فوق‌العاده در عرصه علم و فناوری دست زده و شمار دانشجویان در دانشگاه‌های آن ۲۰ برابر شده است.

به گزارش رسانه‌های صهیونیستی هرتسل هالوی ضمن سخنانی در جمع مدیران سازمان متبوع خود گفته است: ایران از اوایل انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان خود را ۲۰ برابر افزایش داده در حالی که ما در این زمینه فقط ۳ برابر رشد داشته‌ایم. حکومت اسلامی ایران به تلاش‌های فوق‌العاده‌ای برای بالا بردن سطح علمی و فنی دست زده است.

وی افزود: ایران و اسرائیل در یک جنگ تکنولوژی درگیر هستند و اسرائیل بخش مهمی از برتری کیفی خود را در برابر حکومت اسلامی ایران از دست داده است.

رئیس رکن اطلاعات ستاد ارتش اسرائیل همچنین گفت: مهندسان حکومت اسلامی ایران در حال کشاکش با مهندسین اسرائیلی هستند و حکومت ایران دارد به برتری تکنولوژیکی نزدیک می‌شود «پذیرش و عضویت در رشته‌های علمی، تکنولوژی، مهندسی و ریاضیات در حکومت اسلامی ایران بسیار رشد کرده است».

وی تأکید کرد جنگ واقعی ما با ایران در شرایط کنونی در عرصه فناوری است. عرصه فناوری شاهد جنگ واقعی بین ایران و اسرائیل است.

هالوی افزود: اگر عده‌ای تصور می‌کنند احتمال بروز جنگ بین دو طرف در ده سال آینده وجود دارد، باید بدانند که جنگ در عمل همین امروز ادامه دارد.

رئیس بخش اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل گفت: این جنگ در زمینه‌های اطلاعاتی متمرکز است. این جنگ بسیار اهمیت دارد و گزارش‌های اطلاعاتی اسرائیل از پیشرفت فناوری در ایران نشان می‌دهد این کشور مسیرهای متفاوت بامسیرهای متعارف در غرب را طی می‌کند.

هالوی گفت: هزینه از دست رفتن فاصله‌های فناوری با ایران برای اسرائیل بسیار زیاد خواهد بود. ما اکنون شاهد تغییر شرایط به نفع طرف‌هایی هستیم که از دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی اسرائیل بسیار دور بودند. ۲۰ سال پیش دستاوردهای اطلاعاتی بسیار زیادی داشتیم و در ۷ سال اخیر اطمینان داشتیم که از نظر اطلاعاتی در منطقه در سطح خوبی قرار داریم، اما امروز جهان به سرعت در حال تغییر است. متخصصان فناوری اسرائیل و ایران امروز جنگی را علیه یکدیگر هدایت می‌کنند.

این مقام نظامی صهیونیست خاطرنشان کرد: جنگ آینده برای جبهه داخلی اسرائیل بسیار دشوار خواهد بود که کاملاً با شرایط جنگ سال ۱۹۷۳ متفاوت است. سخن امروز از جنگ ذهن‌ها و عقل‌هاست و تبلیغات طرف مقابل می‌تواند روحیه اسرائیلی‌ها را در هم بشکند.

تکذیب ادعای هاشمی در مستندات روحانی و لاریجانی

اظهارات حسن روحانی و علی لاریجانی درباره کارشکنی‌های متعدد «آمریکا و غرب» سخنان بی‌پایه هاشمی را تکذیب می‌کند.

هاشمی رفسنجانی اخیرا در مصاحبه با سایت امید هسته‌ای مدعی شد «وقتی احمدی‌نژاد آمد، با رهبری تصمیم گرفتند که تعلیق را بشکنیم وقتی احمدی‌نژاد آمد و گفت که تعلیق را بشکنیم، خاتمی گفت من نمی‌شکنم! برای اینکه یک پرونده سنگین تهدید برای دولت بعد باقی می‌ماند و من نمی‌خواهم دولت بعد از من وارث این مشکل شود. بعدها نمی‌دانم چگونه رئیس دولت وقت (خاتمی) را قانع کردند که ایشان تعلیق را باز کرد. از آن به بعد دعواها شدت گرفت و بقیه مسایل که تا الان ادامه دارد.»

به گزارش رجانیوز از سخنان هاشمی این چنین برداشت می‌شود که «تعلیق» بدلیل تصمیم سیاسی داخلی و با وجود مخالفت رئیس دولت اصلاحات مخالف شکسته شده است، این در حالی است که بنابر گفته دبیر وقت شورای عالی امنیت یعنی آقای روحانی «تعلیق» تا ۸ ماه بعد از روی کارآمدن دولت نهم هم برقرار بوده است و آنچه که در اواخر دولت خاتمی برداشته شده، «پلمپ تاسیسات جانبی یوسی‌اف‌اصفهان» بوده است که اساسا ربطی به تعلیق غنی‌سازی در ایران نداشته و یک تاسیسات هسته‌ای جانبی بوده است که ایران در توافق پاریس برای نشان دادن حسن‌نیت خود، با پلمپ آن هم موافقت کرده بود.

اما نکته جالب‌تر آن است که برخلاف اظهار هاشمی رفسنجانی و بنا بر مکتوبات حسن روحانی، «تعلیق غنی‌سازی در ایران» هم که ۸ ماه بعد از استقرار دولت نهم اتفاق افتاد، نه بدلیل فشار داخلی که به دلیل بدعهدی اروپا با وجود تعهدات دست و دلبازانه تیم وقت در توافق پاریس اتفاق افتاده است. روحانی در صفحه ۶۱۱ کتاب خود می‌نویسد: «در دولت نهم (احمدی‌نژاد) هم تعلیق نطنز ۸ماه (تا اوایل۸۵) ادامه یافت.» و در ادامه در بخشی دیگر از کتاب خود پیرامون علت تصمیم به لغو تعلیق غنی‌سازی هسته‌ای در ایران می‌نویسد: «اروپا بهمن ۸۴ در دولت احمدی‌نژاد نقض عهد کرد، در دولت احمدی‌نژاد هم تعلیق تا اوایل ۸۵ ادامه یافت.»

هاشمی رفسنجانی در ادامه مصاحبه می‌گوید: «علی لاریجانی داشت در مذاکرات نتیجه می‌گرفت که عوض شد.» اما بررسی صحبت‌های لاریجانی خلاف گفته هاشمی‌رفسنجانی را ثابت می‌کند. او ۱۴خرداد سال ۹۲ در برنامه شناسنامه با اشاره به کارشکنی آمریکایی‌ها در مذاکرات، همین کارشکنی را عامل به سرانجام نرسیدن مذاکرات دانسته و می‌گوید: «غربی‌ها تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را می‌خواستند به تعلیق هم راضی نبودند قبل از سال ۸۴ غنی‌سازی کاملا تعطیل بود. وزیرخارجه آلمان به صراحت گفت ما هیچ‌وقت نگفتیم شما فعالیت‌های خود را تعلیق کنید، حرف ما همیشه این بوده که شما باید فعالیت‌های خود را تعطیل کنید، آن موقع اختلاف‌نظرهایی بین ما و غرب وجود داشت اما قطعنامه‌ای در میان نبود، همان موقع آقای خاویر سولانا با من تماس گرفت و گفت، خرابکارها (آمریکایی‌ها) کار خودشان را کردند، من از شما عذرخواهی می‌کنم. می‌خواستند یک فشار مضاعف هم بر ایران وارد کنند تا از این طریق شرایط خاورمیانه را تغییر دهند.»

همانطور که از سخنان علی لاریجانی مشخص می‌شود مذاکرات نه تنها در حال پیشرفت نبوده بلکه آمریکایی‌ها با صدور قطعنامه جدیدی سعی می‌کردند تا بر جمهوری اسلامی فشار بیاورند و طرف مقابل حتی به تعلیق نیز راضی نبوده و خواهان توقف برنامه هسته‌ای بوده است و مشخص نیست که هاشمی رفسنجانی چگونه معتقد است در این وضعیت مذاکرات در حال به نتیجه رسیدن بوده است؟

روایت خانواده کروبی از هوشمندی رهبری در قبال نقشه افراطیون

خانواده کروبی در پاسخ به مصطفی معین تأکید کرد حکم حکومتی رهبری درباره بازگرداندن وی به انتخابات ۸۴ (پس از رد صلاحیت توسط شورای نگهبان) هوشمندانه بود.

به نوشته سحام‌نیوز «معین ضمن مصاحبه‌ای درباره انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۴، با اشاره به حمایت خاتمی از خود، کروبی را مسئول تشتت‌آرای اصلاح‌طلبان در آن ان